

جمع‌بندی مختصری از روز جهانی کارگر در سال ۱۳۸۶

اول ماه مه امسال چه چیزهایی را نشان می‌داد؟

گرد هم آبی‌ها و تظاهرات گوناگونی که امسال در نقاط مختلف کشور به مناسبت روز کارگر بر پا شد، با اعتراض خشمگینانه کارگران به وضع دستمزدها و قراردادهای ناعادلانه کار، با اعتراض به فقر و فلاکت و بیکاری، با اعتراض به فشارها و سرکوب‌های دولت سرمایه‌داران علیه جنبش و فعالین کارگری رقم خورد. در عین حال، این مبارزات به **صحنه اعلام همبستگی کارگران با خواسته‌ها و مبارزات معلمان کشور و نیز پشتیبانی بخش رادیکال و چپ جنبش دانشجویی از جنبش طبقه کارگر** تبدیل شد.

گرد هم آبی‌ها و تظاهرات امسال در شرایطی برگزار شد که دولت حامی سرمایه‌دار فشار زیادی را برای تضعیف جنبش کارگری اعمال می‌کرد. دستگیری فعالین این جنبش و مشخصاً محمود صالحی چهره سرشناس و محبوب کارگران کردستان، اعزام گسترده افراد حراست کارخانه‌ها به تجمعات کارگری با هدف ایجاد رعب و وحشت، استقرار نیروهای انتظامی و پست‌های بازرسی، تهیه عکس از توده‌های کارگر و خانواده‌های آنان به قصد پرونده‌سازی، بخشی از اقدامات دولت علیه جنبش کارگری بود. اوج این اقدامات را در روز ۱۱ اردیبهشت شاهد بودیم. از يك طرف به كمك گردانندگان "خانه کارگر" کوشیدند خواسته‌ها و مطالبات کارگران را محدود، و نارضایتی و خشم کارگران جان به لب رسیده را مهار کنند. و از طرف دیگر، نیروهای سرکوب را با ابزار و تاکتیک‌های مختلف، گروه‌گروه به خیابان فرستادند تا صدای مقاومت و حق‌طلبی جنبش کارگری را خاموش کنند. اما موفق نشدند. به هیچ وجه موفق نشدند. تظاهرات اول ماه مه در تهران و سنج‌برگزار شد. جنبش کارگری به میدان آمد و شعارهایش را فریاد کرد. مورد هجوم و ضرب و شتم قرار گرفت. دستگیری داد. ولی پا پس نکشید.

اول ماه مه امسال، در درجه اول **آزمون عزم و اراده مبارزاتی برای جنبش کارگری بود** و از این آزمون سر بلند بیرون آمد. مبارزات این روز نشان داد که ظرفیت نهفته مبارزاتی توده‌های کارگری چقدر بالاست و با تکیه به آن چه کارها که نمی‌توان کرد! اول ماه مه امسال، **صحنه شکل‌گیری اتحاد فعالین جنبش کارگری و همراهی بخش قابل‌توجهی از کارگران معترض و مبارز در عمل بود.** حضور و اعلام همبستگی گروهی از دانشجویان و زنان و معلمان آگاه و آزادخواه در این تظاهرات باعث تقویت این اتحاد مبارزاتی شد. اول ماه مه امسال، **نمایانگر ضعف و دردهای حامیان و حافظان نظام استثمار و ستم هم بود.** ابزار سرکوب و نمایش‌های رزمی آنها، زحمتکشان مصمم را به وحشت نمی‌انداخت. هجوم پلیس به تظاهرات برای پراکنده کردن صفوف فشرده مردم و دستگیر کردن مبارزان را جمعیت با هوشیاری و قاطعیت پاسخ می‌داد و ناکام می‌گذاشت. توجه و همدلی رهگذران نسبت به کارگران و مخالفت آنان با سرکوب و ضرب و شتم، دست و پای نیروی انتظامی و واحدهای ویژه ضد شورش را بسته بود. فقط آرزو می‌کردند که این ماجرا هر چه زودتر تمام شود و دردهای بیشتری پیش نیاید.

نقاط ضعف ما در اول ماه مه امسال چه بود؟

در روز طبقه جهانی کارگر، همه ما به خیابان آمدیم و برای افزایش دستمزد و علیه قراردادهای موقت کار شعار دادیم، اما حق‌کشی و بی‌عدالتی و جنایتی که همین روزها بغل گوشمان می‌گذرد و سیاست روز دولت حامی سرمایه‌دار است را نادیده گرفتیم. ما فراموش کردیم در حمایت از کارگران و زحمتکشان مهاجر افغانستانی که در معرض استثمار شدید، سرکوب و اخراج قرار دارند چیزی بگوییم. ما فعالین کارگری که باید بخش آگاه و پیشرو و تاثیرگذار بر توده‌های کارگر باشیم خواسته یا ناخواسته در این مورد غفلت کردیم. تا این تصور غلط و مضر همچنان در بین کارگران و مردم حاکم باشد که مهاجران افغانستانی جای ما را تنگ کرده‌اند. آیا می‌توانیم ادعای حق‌طلبی کنیم اما

وقتی که در برابر ما حقوق ابتدایی زحمتکشانی که از کشور و ملتی دیگر هستند لگدمال می شود، هیچ نگوییم؟ بعضی از ما به فکر آن بودیم که با رسانه های غربی مصاحبه کنیم و از رنج خود بگوییم، به فکر آن بودیم که از این یا آن بند مقاله های "سازمان جهانی کار" دفاع کنیم، به فکر آن بودیم که خواسته های خود را به گوش مجامع بین المللی برسانیم، به فکر آن بودیم که برای "خود" حمایت و همبستگی بین المللی کسب کنیم و برای این کار خطاب به "هم طبقه ای ها"ی خود در سراسر دنیا اعلامیه بدهیم، ولی خواسته های صدها هزار زن و مرد و کودک استثمار شده افغانستانی را نادیده گرفتیم. (۱)

در تجمع ورزشگاه شیروودی و به ویژه در تظاهرات غیرقانونی و خودجوش خیابان مفتح، تعداد زنان کارگر چشمگیر بود. ولی ما فعالین کارگری که متأسفانه اکثریت قریب به اتفاقمان را مردان تشکیل می دهند، به فکر مطرح کردن شعارهایی که خواسته ها و شرایط ویژه زنان کارگر را بیان کند و به طور کلی ستم ها و فشارهای ویژه ای که در اجتماع، در محیط کار و در خانواده بر همه زنان اعمال می شود را بر ملا و محکوم کند نبودیم. دریغ از حتی يك شعار! با این همه کم نبودند زنان کارگر جوان و میانسالی که از ابتدا تا انتهای راهپیمایی شعار دادند، نیروی انتظامی را به عقب نشاندند و مردم رهگذر را به حمایت از تظاهرات دعوت کردند. حضور زنان در میانه میدان، مثل همیشه روحیه همدلی و احساس حقانیت مبارزه را در توده هایی که ناظر این صحنه پر شور بودند برانگیخت. نیروهای سرکوبگر از مشاهده این همه کارگر زن که بازو در بازوی کارگران مرد پیشروی می کردند و شعار می دادند بهت زده شده بودند. در چنین اوضاعی آیا ما فعالین و تشکل های مستقل می توانیم صرفاً با ذکر نامی از زنان در قطعنامه های اول ماه مه از خود رفع تکلیف کنیم؟ (۲) آیا با چنین رفتار عقب مانده ای می توانیم خود را نیرویی پیشرو و آگاه معرفی کنیم؟ آن هم در دوره و زمانه ای که حتی دار و دسته حکومتی و فریبکار "خانه کارگر" در قطعنامه اش يك بند را به شرایط زنان کارگر اختصاص داده است؟.

یکی از سیاستهای اقتصادی که به جدیت در دستور کار نظام سرمایه داری در ایران قرار گرفته تسریع و تشدید برنامه خصوصی سازی است. این روزها هر مقام دولتی و یا هر اقتصاددان طرفدار سرمایه داری که بخواهد از اقتصاد حرف بزند، از ضرورت اجرای فوری اصل ۴۴ قانون اساسی صحبت می کند. ولی ما فعالین کارگری در طرح شعارها و خواسته های خود، این سیاست اقتصادی و نتایج ویران کننده ای که برای طبقه کارگر و قشرهای تهیدست جامعه به دنبال دارد را مسکوت گذاشتیم. انگار نه انگار خبری هست! انگار نه انگار که نهادهای سرمایه داری جهانی از صندوق بین المللی پول و بانک جهانی گرفته تا سازمان تجارت جهانی، همین سیاست را به دولتهای طرف معامله خود دیکته کرده اند و در سراسر دنیا باعث بیکارسازی های وسیعتر، قراردادهای ناعادلانه تر، فقر و فلاکت گسترده تر، و فراگیر کردن فساد و فحشا شده اند. ما حتی چشم و گوشمان را بر تهدیدهای مقامات قضایی و انتظامی علیه کارگران بسته ایم. اینها دارند به روشنی اعلام می کنند که اعتراضات کارگری علیه عواقب اقتصادی و اجتماعی خصوصی سازی را تحمل نخواهند کرد و با سرکوب جواب خواهند داد، چون "امنیت سرمایه" و "آرامش سرمایه داران" چنین حکم می کند. آیا ما با سکوت در مقابل فجایعی که در راهست و بسیار تکان دهنده تر از زندگی فاجعه بار کنونی کارگران و زحمتکشان خواهد بود، خود را به کوچه علی چپ نزده ایم؟ اصلاً به این فکر می کنیم که تشدید جهش وار فقر و فلاکت و بیکاری، چه تاثیری بر کیفیت زندگی و مبارزه طبقه کارگر خواهد گذاشت و احتمال چه عکس العمل ها و مقاومت ها و خیزش هایی را پدید خواهد آورد؟ آیا با این بی توجهی، می توانیم خود را برای تاثیرگذاری بر چنان مبارزاتی آماده کنیم؟ رهبری آن مبارزات پیشکش! آیا می توانیم طبقه کارگر را حتی در مبارزه به خاطر حفظ سطح معیشت امروزی، آماده و آگاه کنیم؟ شاید دچار این توهم شده ایم که در جریان خصوصی سازی، سرمایه گذاران و بانک ها و موسسات خارجی خواهند آمد، کارها را نظم خواهند داد و مناسبات کارگر - کارفرما را قانونمند خواهند کرد. شاید به این فکر افتاده ایم که برنامه خصوصی سازی، دست نهادهای بین المللی مثل "سازمان جهانی کار" را در عرصه ایران بازتر و دورنمای تنظیم روابط منطقی در عرصه کار را نزدیکتر می کند. شاید به اصطلاح واقع بین شده ایم و می خواهیم به سیاست "سه جانبه گرایی" (همکاری کارگر - دولت - کارفرما در چانه زنی، تعدیل شرایط و بهبود قوانین کار) رضایت بدهیم. شاید به غلط، تناسب قوای مبارزه طبقاتی را بیش از حد به ضرر طبقه کارگر ارزیابی می کنیم و به امکان پیشروی جهش وار جنبش کارگری باور نداریم.

در بیانیه های اول ماه مه امسال، بخشی از ما کوشیدیم ضرورت پرداختن کارگران به سیاست را مطرح کنیم و از جدایی ناپذیری مبارزه سیاسی و مبارزه اقتصادی بگوییم. کوشیدیم با رجوع به بیش از ۱۵۰ سال مبارزه طبقه کارگر و طبقه بورژوازی در سراسر دنیا بر آشتی ناپذیر بودن تضادهای طبقاتی تاکید بگذاریم. **کوشیدیم در دنیای امروز، ضرورت تشکل انقلابی و نبرد انقلابی طبقه کارگر را برجسته کنیم. نیت ما پاک بود، اما به کارگران نشانی غلط دادیم!** نوشتیم که "پرچم این نبرد انقلابی در اعتصابات کارگری انگلیس و آلمان، اعتصاب معلمان نروژ، معدنکاران مکزیک، بولیوی، آمریکا، کره جنوبی و هند، و اعتصاب کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی و سایر بخشهای طبقه کارگر در ایران در اهتزاز است." (۳) یعنی مبارزاتی را نمونه نبرد انقلابی طبقه کارگر معرفی کردیم که حتی رهبران و سازمان دهندگانش هم چنین ادعایی ندارند! نه فقط این، که رهبرانش هرگونه تلاش برای تدارک و سازماندهی انقلاب در جوامع خود را بی ثمر، زیانبار و از مد افتاده قلمداد می کنند! با این ارزیابی غلط، یا داریم دل خودمان را خوش می کنیم و آرزوهایمان را به جای واقعیات می نشانیم. و یا دچار یک اشتباه قدیمی شده ایم: یعنی هر مبارزه ای را به صرف شرکت کارگران در آن انقلابی تلقی می کنیم. یعنی مرز میان مبارزات اصلاح طلبانه ای که در بسیاری موارد بر حق و لازم هم هست را با نبرد انقلابی طبقه کارگر مخدوش می کنیم. سؤال مهمتری که باید از خودمان بکنیم اینست: چرا نمی توانیم در دنیای امروز نبرد انقلابی طبقه کارگر را در بطن جنبش های رادیکال ضد سیستم، مبارزات آزادیخواهانه و رهائیبخش، و انقلابات قهرآمیزی که در جوامع مختلفی جریان دارد تشخیص دهیم، ولی مبارزات رفرمیستی فوراً چشممان را می گیرد؟ یکی از شعارهای مهم ما در اول ماه مه امسال "تشکل مستقل حق مسلم ماست" بود. اکثر قریب به اتفاق فعالین کارگری و نیروهای پشتیبان جنبش کارگری بر این خواسته بر حق تاکید گذاشتند. اما به نظر می آمد که بخشی از ما به مفهوم این شعار عمیقاً پی نبرده ایم. ما بارها گفته ایم و نوشته ایم که تشکل مستقل یعنی مستقل از دولت سرمایه دار و کارفرما و نهادهای نماینده نظام سرمایه داری. باید از خودمان پرسیم که آیا این معیار را فقط برای تشکل کارگران در ایران قبول داریم؟ آیا تشکل مستقل حق مسلم هم طبقه ای های ما در بقیه کشورها نیست و نباید باشد؟ آیا سرمایه داری فقط در ایران نهادهای ضد کارگری به نام کارگر درست کرده است؟ پس چرا وقتی که به فکر پیام دادن به هم طبقه ای های خود و جلب پشتیبانی آنها می افتیم فراموش می کنیم که روی سخنمان باید با کارگران و تشکل های مستقل کارگری (یعنی مستقل از دولت ها و نظام سرمایه داری جهانی) باشد. چرا اینجا که می رسیم خصوصیت مستقل بودن تشکل های کارگری را فراموش می کنیم؟ (۴) شاید هم نهادی مانند "سازمان جهانی کار" (ILO) را "تشکل مستقل" می دانیم؟ شاید برای احقاق مطالبات خود چشم امید به این جور نهادها بسته ایم؟

در اول ماه مه امسال، کوشیدیم متحدتر و سازمان یافته تر و با برنامه تر از سال های قبل در میدان ظاهر شویم. ولی این تلاش از سطح تعیین چند شعار، حضور به موقع در محل تجمع و تظاهرات، و دست زدن به بعضی تاکتیک ها و ابتکارها در صحنه عمل فراتر نرفت. باید از خودمان سؤال کنیم که قبل از اینکه پا به تظاهرات بگذاریم آیا به اندازه کافی در مورد شرایط موجود، بایدها و نبایدها و کارهایی که می توان انجام داد، فکر و تبادل نظر و بحث و جدل کرده بودیم؟ به راستی تا چه اندازه برای احتمالات مختلف آمادگی داشتیم و می توانستیم ابتکار عمل را در دست بگیریم؟ فرضاً اگر "خانه کارگر" تصمیم می گرفت تجمع شیروودی را لغو کند و یا اجازه برگزاری مراسم را در آخرین لحظه نمی دادند، می خواستیم چکار کنیم؟ اول ماه مه را چگونه برگزار می کردیم؟ اعلام مواضع و خواسته ها در روز اول ماه مه، شرط اصلی و نماد استقلال عمل در هر مبارزه ای است. بردن این مواضع و خواسته ها به صورت شعار و قطعنامه به میان توده های کارگری که به خیابان آمده اند، یک وظیفه بدیهی است. برای اینکه قطعنامه های ما به دست کارگران برسد و تفاوتش را مثلاً با قطعنامه "خانه کارگر" ببینند و بفهمند چه کردیم؟ اصلاً کارگران قطعنامه ی ما را دیدند؟ تجربه نشان می دهد که یکی از شروط موفقیت هر تظاهرات، یکپارچه کردن شعارها و یکدست کردن و به حداکثر رساندن انرژی تظاهرکنندگان است. شرط دیگر، آگاهی رسانی در مورد تظاهرات و خواسته های آن به بخشهای وسیعتری از مردم کوچه و بازار است تا از آن پشتیبانی کنند، و یا بخشاً به صفوف تظاهرات بپیوندند. با این کارهاست که دست سرکوبگران در پراکنده کردن تظاهرات بسته تر می شود و فرصت و فضا و زمان بیشتری برای طرح خواسته های جنبش به وجود می آید. ولی ما به فکر برنامه ریزی جدی برای این کارها نبودیم. از تبلیغ همزمان در مراکز تجمع رهگذران در میدان ها و

خیابان های اطراف غافل شدیم. جلوی تظاهرات با دیواری از باتوم بدستان و خودروها سد شده بود تا مردم از آنچه اتفاق می افتاد باخبر نشوند، ولی ما از قبل به تاکتیک های مناسب تبلیغی در آن سوی صف نیروهای پلیس فکر نکرده بودیم. فعالین آگاه کارگری به هنگام راهپیمایی، با شور و هیجان و تمام توان خود شعار می دادند، برای پیشروی زحمت می کشیدند و کارگران را تهییج می کردند. اما گویی در آن لحظات پر التهاب دیگر برای خود نقش سازمانده و برنامه ریز قائل نبودیم. فقط و فقط جزیی از خیل توده های خشمگین و معترض کارگر شده بودیم. و این مهمترین نقطه ضعف عملی ما در اول ماه مه امسال بود.

در هر صورت، هیچ مبارزه ای بدون قوت و ضعف نیست. بعضی از این قوت ها و ضعف ها خصوصیت استراتژیکی دارند و بعضی تاکتیکی. به ویژه وقتی از مشکلات و ضعف ها می گوئیم باید بدانیم که بعضی از آنها از دیدگاه ها و گرایشات نادرست سرچشمه می گیرند و بعضی نتیجه نابلدی و ناروشنی هستند. نکته ای که نباید فراموش کنیم اینست که آشکار شدن همه این جوانب مثبت و منفی، حاصل تلاش ها و پیشروی هایی است که در مسیر جنبش کارگری صورت گرفته است. حاصل به صحنه آمدن هر چه بیشتر توده های کارگر و افزایش فعالیت سازمان یافته فعالین آگاه کارگری است. این مهمترین بستر برای پیشروی بیشتر و رفع اشکالات و جبران عقب ماندگی ها و ناتوانی های امروز ماست. **فردا از آن طبقه کارگر است!**

کارگر قهرمان، رهبر زحمتکشان، پر توان پر خروش، علیه دولت سرمایه دار

(جمعی از فعالین کارگری)

kargaran_fa@yahoo.com

۱ - نگاه کنید به لیست شعارهای تظاهرات اول اردیبهشت ۱۳۸۶ تهران در گزارشات مختلفی که از این مراسم منتشر شده است. همچنین رجوع کنید به قطعنامه روز جهانی کارگر از سوی "شورای همکاری" چند تشکل مستقل کارگری، و بیانیه ای خطاب به "هم طبقه ای ها" از سوی آن شورا.

۲ - نگاه کنید به جای خالی زنان در شعارهای تظاهرات اول ماه مه و به جایگاه کمرنگ زن در قطعنامه های آن روز.

۳ - نگاه کنید به بیانیه کمیته برگزار کننده مراسم اول ماه مه در جنوب .

۴ - نگاه کنید به بیانیه ای که از طرف "شورای همکاری" برای جلب پشتیبانی "کارگران و تشکل های کارگری جهان" از مبارزات کارگران ایران صادر شده است. مخاطب این بیانیه قاعدتا باید ملغمه ای از تشکل های مستقل کارگری، سندیکاها، قدرتمند تحت تسلط سرمایه داری در کشورهای غربی و نهادهای امپریالیستی مانند "سازمان جهانی کار" باشد.

(منبع: سایت های مختلف کارگری و خبری)